

شکل‌گیری شخصیت مسیحایی در اسلام و ویژگی‌های آن

دانیال واکا/ بهروز جندقی

فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۵، بهار ۸۲



چکیده: مسیحیان در انتظار بازگشت عیسی هستند ولی اکثر مسیحیان نمی‌دانند که، دین ابراهیمی معتقد به بازگشت شخصی به نام «مهدی» است که با ظهور خود عصر عدالت واقعی را به ارمغان خواهد آورد. اما واژه «مهدی» اصلاً در قرآن ذکر نشده و اعتقاد به آن در میان همه مسلمانان شیوع ندارد و فقط در میان اقلیت شیعه، این اعتقاد به آموزه اصلی دینی تبدیل شده است و آن هم به خاطر مورثی دانستن امامت از طرف شیعیان می‌باشد و این که زمین نباید بدون حجت باشد. لذا این آموزه از طریق ائمه شیعه تبیین و تبلیغ شد و به خاطر عوامل مادی و شخصی به یک اصل تبدیل گردید. در حالی که این آموزه در میان اهل سنت به هیچ وجه به عنوان یک آموزه اصلی مطرح نشد. ولی روایات شیعه در خصوص این آموزه در جوامع روایی اهل سنت هم راه یافت و آنها هم به وجود شخصیتی مسیحایی در اسلام اعتراف کردند.

اعتقاد به مهدی در میان همه مسلمانان شیوع ندارد. در طول تاریخ، مجموعه‌ای از عقاید در رابطه با نقش مهدی و هویت او، در بین فرقه‌های مختلف اسلامی به وجود آمده است. به عنوان مثال، با تأیید مهدویت در میان اکثر مسلمانان شیعه، هرگز این مفهوم به بخش اساسی آموزه‌های دینی در میان اهل سنت تبدیل نشده است. در جهان اسلام، شیعیان در اقلیت هستند، اما اهل سنت ۸۵ درصد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. مختار برای حنفیه ادعای خلافت کرد و او را «مهدی، فرزند وارث» نامید، [قابل توجه است که] این واژه به وسیله افرادی به کار می‌رفت که معتقد بودند محمد، علی را به عنوان جانشین خود برگزیده

بازتاب اندیشه ۶۷

شکل‌گیری
شخصیت
مسیحایی در
اسلام و
ویژگی‌های
آن

است. اگر چه حنفیه این عنوان را نپذیرفت، اما این نهضت چند جنبه از مهدویت شیعی را رواج داد، از جمله: آموزه نص، و این عقیده که مهدی غایب خواهد شد و سپس باز می‌گردد. علاوه بر این، ادعای رایج مبنی بر اینکه نام مهدی هم‌نام پیامبر خواهد بود، به احتمال در این زمان مطرح شد تا استدلال مختار بر مهدی بودن محمد بن حنفیه را تقویت کند. عنوان مهدی برای دیگران نیز اطلاق شده است. برای مثال، اولین حاکمی که عنوان مهدی را برای خود به کار برد «سلمان» بود (۷۱۵-۷۱۷) که وعده داد عدالتی را که در زمان حاکمان قبل از او وجود نداشت پدید آورد. روایات مربوط به مهدی به سرعت در میان مردمی که بدنبال نجات دهنده خود از ظلم بودند گسترش یافت.

آموزه‌های مربوط به مهدی بر اساس چند عامل شکل گرفت. نخست اینکه، ویژگی‌های نسبت داده شده به امام از سوی افرادی مانند امام جعفر صادق علیه السلام - به خصوص این ویژگی که خداوند هرگز جهان را خالی از امام نمی‌گذارد - باعث شد مهدی «غایب» یک ضرورت تلقی گردد. عامل دومی که منجر به ظهور آموزه مهدویت در شیعه گردید، میل به رهایی از رنج و محنت بود. بررسی مضامین مشترک در روایات مربوط به مهدی در شیعه - «این که او زمانی ظهور می‌کند که، وضعیت جهانی به بدترین حالت رسیده باشد. حکومت او در زمان و فور طبیعی نعمت خواهد بود. او عدالت را می‌گسترده. دین را زنده می‌کند و دشمنان اسلام را مغلوب می‌کند، او کریم خواهد بود و ثروت را بین همگان تقسیم خواهد کرد» - نشان می‌دهد کسانی که اعتقاد به مهدی را تأیید می‌کردند از وضعیت کنونی زندگی خود راضی نبودند. عامل سومی که باعث ایجاد مهدویت شده، نارضایتی فزاینده مسلمانان از وضعیت جامعه اسلامی بوده است. برخی می‌گویند: «اصلاً هیچ مهدی‌ای در کار نخواهد بود و در عوض عیسی مسیح نقش او را ایفا خواهد کرد». ویلفرد کانت ول اسمیت آن‌گونه که «رفعت حسن» نقل کرده است، این مسئله را به بهترین بیان مطرح می‌کند: رخوت بنیادی اسلام مدرن بدین معناست که در تاریخ اسلام ایرادی وجود دارد... بحران معنوی بنیادی اسلام در قرن بیستم ناشی از آگاهی از این امر است که بین دین تعیین شده از جانب خداوند و تحول تاریخی جهان که تحت کنترل [خداوند] است، نوعی آشفتگی وجود دارد اما این گفته نه تنها در قرن بیستم صحیح به نظر می‌آید بلکه در نسل‌های متوالی مسلمانان - از زمانی انقلاب عباسی و پایان یافتن نفوذ اسلام در اروپا - آسیا - نیز صادق بوده است. برخی می‌گویند: «اصلاً هیچ مهدی‌ای در کار نخواهد بود و در عوض عیسی مسیح نقش او را ایفا خواهد کرد». برخی

دیگر می‌گویند: «او قبل از عیسی مسیح خواهد آمد و سپس مسیح می‌آید و در نبرد با دجال و مسیحای دروغین، به مهدی کمک می‌کند.» هر گاه توده‌های مسلمان احساس کرده‌اند که فوق العاده مورد ستم یا تحقیر واقع شده‌اند اعتقاد به مهدی شدیدتر بوده است و می‌توان حدس زد که این روند تا حدودی ادامه خواهد داشت تا زمانی که یا جامعه اسلامی بار دیگر خود را در اوج سلسله مراتب جهان بیابد یا اینکه مهدی ظهور کند.

● اشاره

عقیده به مهدویت از عقایدی است که مسلمانان با اختلافات مذهبی که دارند بر آن اتفاق دارند و هرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع شیعه امامیه، زیدیه، مالکی‌ها، حنفی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها و وهابیان بر این مسئله قطع یقین دارند که شخصی از عترت پیامبر اکرم ﷺ قیام کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و این ادعا که بحث مهدویت در میان مسلمانان شیوع ندارد، ناشی از بی‌اطلاعی نویسنده به این مباحث می‌باشد؛ چون جدا از اتفاق و اجماع تشیع در این مورد، جماعت عظیمی از علمای اهل سنت تصریح کرده‌اند که، این عقیده مورد اتفاق مسلمین است و حتی برخی از فقهای اهل سنت به وجوب قتل منکر آن فتوا داده‌اند که به نمونه‌ای از کلمات علمای اهل سنت اشاره می‌شود. الف) ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌گوید: «اتفاق تمام فرقه‌های مسلمین این است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی‌شود مگر با مهدی موعود...» ب) در اسعاف الراغبین آمده که: «همان اخبار متواتری از پیامبر ﷺ رسیده است که مهدی قیامی می‌کند، و او از اهل پیامبر ﷺ است و زمین را پر از عدل و عداد می‌کند.» ج) ابن حجر از ابوالحسن الاجری نقل کرده که گفته است: «اخبار متواتره از پیامبر ﷺ نقل شده مبنی بر اینکه مهدی از اهل بیت پیامبر ﷺ است...»^۳

د) علامه برزنجی می‌نویسد: «روایاتی که در آنها از ظهور مهدی نام برده شده زیاد و در حد تواتر است... و آنچه قطعی است اینکه ظهور او مسلم و از اولاد فاطمه و پرکننده زمین از عدل و داد است.»^۴ ه) شیخ علی ناصف می‌گوید: «مشهور بین علمای گذشته و حال این است که در آخر الزمان مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام می‌کند... پس ثابت شد که احادیث مهدی متواتر است و برای کسی که ذره‌ای ایمان و کمی انصاف داشته باشد همین مقدار کفایت می‌کند.»^۵ و) حافظ عسقلانی در کتاب تهذیب التهذیب و نیز سیوطی در کتاب الحاوی للفتاوی اخبار مربوط به قیام مهدی و اینکه او از اهل بیت پیامبر ﷺ است... را متواتر

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۶

۳. صواعق المحرقة، ص ۱۶۷ محمد برزنجی، الأشاعة لإشراط الساعة، ص ۸۷

۵. غایة المامل، ج ۵، ص ۳۸۲

۲. اسعاف الراغبین، ص ۱۳۸

اعلام می‌کند».^۱ (ز) سفارینی حنبلی موضوع قیام مهدی را از معتقدات قطعی علمای اهل سنت می‌شمارد و در نهایت صریحاً می‌گوید «ایمان به قیام مهدی همان‌گونه که نزد اهل علم مقرر شده واجب می‌باشد».^۲ (ح) سید محمد صدیق حسن قنوجی می‌گوید: «روایات وارده در مورد مهدی با اختلافی که دارند به حدی زیاد است که به حد تواتر می‌رسد. و در کتب سنن و غیر آن، از مؤلفات اسلامی و نیز معجم‌ها و مسندها مذکور است».^۳ (ط) دکتر شیخ عبدالمحسن، رئیس اسبق دانشگاه اسلامی مدینه می‌گوید: «احادیث فراوانی درباره ظهور مهدی در آخرالزمان به نقل از پیامبر ﷺ به ثبت رسیده و از اصحاب به دست پیروان بعدی واصل گردیده است. و با توجه به تواتر آنها چگونه می‌توان گفت که در قرن اول، اصحاب پیامبر و پیروانشان از این اندیشه یاد نکردند».^۴ با توجه به مطالب ذکر شده اولاً مسئله مهدویت در میان همه مسلمانان شیوع دارد ثانیاً بلکه به حد تواتر هم رسیده است، بیش از بیست نفر از بزرگان اهل سنت به تواتر این احادیث و بیش از چهل نفر از بزرگان اهل سنت به صحیح بودن این احادیث اشاره کردند.

۲. عقیده به مهدویت به حدی در جامعه اسلامی، رسوخ کرده بود که حتی، برخی افراد از این عقیده مسلم سوء استفاده کرده و ادعای مهدویت نمودند؛ و جالب آنکه بیشتر آنها هم از مسلمانان اهل سنت بودند. گروه کثیری از علمای اهل سنت به ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام به نام مهدی اعتراف نمودند و برخی هم او را همان منجی منتظر به شما آوردند. الف) محمد بن یوسف گنجی شافعی می‌گوید: «ابومحمد حسن عسکری از خود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظر است».^۵ ب) عبدالوهاب شعرانی حنفی می‌گوید: «در آخرالزمان امید به خروج مهدی است و او از اولاد امام حسن عسکری بوده که در نیمه شعبان ۲۵۵ هـ به دنیا آمده و تا به حال زنده است و...». پس طبق روایات تمام مذاهب اسلامی، بر اصل مسئله ظهور حضرت مهدی از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر داشته و معتقدند، در آخرالزمان شخصی به نام مهدی از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود.

۲. نویسنده ادعا می‌کند که حدیث رایج «نام مهدی هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله است» در زمان محمد حنفیه جعل شده است؛ در پاسخ باید گفت: در اینکه مهدی آخرالزمان از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله است، هیچ شک و شبهه‌ای نیست و همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که مهدی موعود از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. ام سلمه می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود:

بازتاب اندیشه ۶۷
شکل‌گیری
شخصیت
مسیحایی در
اسلام و
ویژگی‌های
آن

۱. تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۶

۲. محمد سفارینی، لوامع الانوار، البهیه، ج ۲، ص ۸۴

۳. سیدمحمد صدیق، الاذاعه، ص ۱۱۲

۴. مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۶۷

«المهدی من ولد فاطمه» مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام است. حدیث دیگری به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نقل شده است. اما روایتی که جابر از پیامبر نقل می‌کند جواب کاملی بر مدعای بی‌اساس نویسنده است، جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که، آن حضرت فرمودند: «المهدی من ولدی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی» مهدی از فرزندان من است. اسمش اسم من و کنیه‌اش کنیه من است. غیر از این همه روایاتی که از ائمه علیهم السلام در مورد امام زمان (عج) وارد شده با این اسم می‌باشد به علاوه این حدیث تقریباً با همین مضمون در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه و مسند احمد بن حنبل آمده است پس اینکه نام مهدی هم نام پیامبر و از اولاد و ذریه آن حضرت است در ضمن احادیث فراوانی از زبان پیامبر صادر شده و ربطی به زمان محمد حقیقه ندارد.

۴. نویسنده در جای دیگری از مقاله ادعا می‌کند که، مسئله مهدویت بر اساس عواملی چند شکل گرفته و پایه و اساس دینی و مذهبی ندارد بلکه بعدها مسلمانان برای رهایی از مشکلات این جریان را راه انداخته‌اند.

نویسنده عامل اول شکل‌گیری موضوع مهدویت را تبیین ویژگی‌های خاص به امام زمان، از سوی افرادی چون امام صادق علیه السلام می‌داند، که باعث شده که مهدی غایب یک ضرورت تلقی گردد. این ادعا باطل است؛ چون همان‌طور که در موارد فوق به طور مفصل اشاره شد، مسئله مهدویت و ضرورت وجود او چیزی نبود که از طرف امام صادق علیه السلام مطرح شود، بلکه طبق اجماع علماء تمام مذاهب اسلامی وجود و ظهور مهدی در آخرالزمان حتمی و از مسلمات و ضروریات دینی و عقیدتی مسلمانان است که از زمان و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح و جاری بود. اینکه زمین هیچ وقت خالی از حجت نخواهد بود، ریشه قرآنی دارد و اینها مسائلی نیستند که فقط منحصر در عقاید شیعیان باشند بلکه همگی مورد اتفاق مسلمانان است. نویسنده عامل دوم را، میل به رهایی از رنج و محنت، در میان مسلمانان می‌داند و نارضایتی فزاینده مسلمانان از وضعیت جامعه اسلامی ذکر می‌کند. گرچه این عقیده را برخی از مستشرقین و به تبع آنها برخی از روشن‌فکران هم مطرح کرده‌اند ولی خداوند متعال مطابق مصلحت و حکمتی که ملاحظه کرده موضوع منجی و ظهور حضرت مهدی را به جهت عدل و عدالت در سطح گسترده مطرح کرده است. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم موضوع مهدویت خواست فطری بشر بوده و عقل، قرآن و روایات نیز به طور صریح بر آن صحه گذاشته‌اند و مسلمین بر آن اجماع نموده‌اند و این بحث در اوج عزت و اقتدار مسلمانان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن هم مطرح بود.

۵. نویسنده در آخر مقاله ادعا می‌کند که «بعضی می‌گویند اصلاً هیچ مهدی در کار نخواهد بود و در عوض عیسی مسیح نقش او را ایفا خواهد کرد. این شبهه نشأت گرفته از حدیث ضعیفی است که، ابن ماجه آن را نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ولا مهد إلا عیسی

بن مریم»^۱ و مهدی جز عیسی بن مریم نیست. در پاسخ این گروه باید گفت که: الف) بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند مهدی را از ذریه رسول خدا ﷺ می‌دانند. ب) این حدیث مورد اعراض علمای حدیث و متکلمین بوده و هیچ کسی به آن استناد نکرده است. ج) خود ابن ماجه در سنن خود حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمه» را نقل کرده است. د) ابن قیم جوزیه این حدیث را در المنار المنیف نقل کرده و به‌طور مبسوط آن را تضعیف نموده است. ذهبی می‌گوید این حدیث منکر، خبری است که، ابن ماجه آن را نقل کرده است. می‌گوید: این حدیث معارض با احادیثی است که نص بر خروج مهدی از اولاد و عترت پیامبر و فاطمه ﷺ می‌باشند و این احادیث اصح از آن است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر. ه) این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (ولا مهدی الا عیسی بن مریم) نیامده است. و) روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه ﷺ متواتر است و عده عظیمی به تواتر آن تصریح کرده‌اند ولی این حدیث بر فرض صحت سند، خبر واحد است که در مقام تعارض ساقط می‌شود. طبق روایات در زمان ظهور امام زمان (عج) حضرت عیسی هم نازل شده و پشت سر امام نماز می‌خواند و آن حضرت را یاری می‌کند از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «وقتی مهدی از ذریه من قیام کند، حضرت عیسی برای نصرت او می‌آید و در پشت سر او نماز می‌خواند» با توجه به اینکه در آن زمان حجّت خداوند در میان مخلوقات عالم، حضرت مهدی است پس بر همه واجب است که از او پیروی بکنند. و از آنجا که مسیحیان جماعت زیادی را در آن زمان تشکیل می‌دهند لذا با نزول او از آسمان در آخرالزمان و اطاعت او از امام زمان باعث خواهد شد که مسیحیان نیز تسلیم حضرت مهدی (عج) شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی